

اصولگرایی گفتمانی که متولد نشد

سه دهه سرگردانی یک جریان بدون گفتمان سیاست ورزی را مختل کرده است



سیده‌های عظیمی

عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی

با اعلام نتایج انتخابات مجلس دوازدهم پرونده این انتخابات بسته شد. رای آوردن نامزدهای تندروتر اصولگرا نشان از فضایی جدید در سپهر سیاسی ایران دارد. انتخابات مجلس دوازدهم به نوعی پایان یخش میانه اصوگرا بود و نشان داد که چراغ اصولگرایان سنتی در فضای جدید رو به خاموشی است.

از انتخابات مجلس پنجم تا انتخابات مجلس دوازدهم ۲۸ سال فاصله است. در این فاصله تحولات مهمی در عرصه سیاسی ایران رخ داد. جریان‌ی که امروز اصولگرا نامیده می‌شود، در مجلس پنجم چهره‌هایی همچون باهنر را در تهران داشت که در انتخابات مجلس دوازدهم رای لازم را در زادگاه خود کرمان نیز به دست نیاورد. در هنگام مجلس پنجم جمعیت مؤتلفه و همفکرانش صحنه‌گردان جریان اصولگرا بودند ولی امروز مؤتلفه زیر مجموعه جریان‌های دیگر است و جایگاه تعیین کننده‌ای در ساختار اصولگرایان ندارد. این تغییر در طول سه دهه گذشته چرا رخ داده است؟ محافظه‌کاری جریانی مهم در هر جامعه سیاسی است. «معنای بنیادین محافظه‌کاری را باید در احترام به سنت و مخالفت با دگرگونی اساسی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی یافت.» (لبرایسم و محافظه‌کاری، حسین بشیریه، چ دوم، ۱۳۷۹، تهران، نشر نی). در سال‌های ابتدایی دهه هفتاد جریان چپ خط امام به تدریج تغییراتی اساسی را در خود به وجود آورد و کوشید حول مفهوم «مردم» ساختار فکری جدید خود را سامان دهد. این عناصر تجددخواهانه که در «هیئتی نو، مجدد به میدان آمدند و تضاد میان تجددگرایی و سنت‌گرایی دوباره خود را به شکلی جدید نمایان ساخت، لباس تجدد به خود پوشانده بود؛ نوعی اسلام‌گرایی بود که با قرائتی جدید از مردم در قالب مردم‌سالاری دینی رخ نمود.» (قدرت، گفتمان و زبان، سیدعلی اصغر سلطانی، تهران، چ سوم، ۱۳۹۱، نشر نی). در برابر تغییرات فوق گفتمان سنت‌گرای محافظه‌کار که «بیشتر از این حول ولایت‌شکل گرفته بود نیز به مفصل‌بندی عناصر جدید پرداخت که تقریباً در نقطه مقابل مفصل‌بندی گفتمان اصلاح‌طلب قرار داشت.» (همان ص ۱۵۴) معضل محافظه‌کاران سنت‌گرا در ایران از همین نقطه آغاز شد؛ زمانی که گفتمان اصلاح‌طلبی ظهور یافت، محافظه‌کاری که تبلور آن در جامعه روحانیت و مؤتلفه بود، هراسان شد. این هراس خود را در شیوه‌های سخت‌افزاری حذف و طرد مانند رصلاحیت، توقیف و تعطیلی مطبوعات و... نمود یافت. ولی جریان محافظه‌کار برای برخورد با جریان نوظهور اصلاح‌طلبی به پیاده‌نظامی نیاز داشت که مسئولیت حمله را بر عهده گیرد. همین

فکر جریان محافظه‌کار را به سمت جریان‌های سنت‌گرایی سوق داد که گرایش‌های انقلابی و نامیت‌خواهانه داشتند و از سوی دیگر اصولگرایی کوشید خود را به مثابه نظام سیاسی به شمار آورد. تکنولوژی قدرت جمهوری اسلامی از ابتدای تاسیس خود بر پایه به کارگیری مومنان و تأمین رضایت آن‌ها در پیشبرد اهداف و برنامه‌ها بود ولی با به وجود آمدن اصلاح‌طلبی، مفاهیمی که تا آن زمان در جهت تکنولوژی قدرت به کار گرفته می‌شدند، به سمت مقابله با جریان اصلاح‌طلبی و هر نوع اصلاحات تغییر مسیر داد. این تغییر مسیر موجب شد ادبیات جریان اصولگرایی به جای اینکه گفتمان خود را سامان دهد بر پایه مقابله با اصلاح‌طلبی بسج شود و اختلاف خود را با اصلاح‌طلبان به مثابه ساختار شکنی آن‌ها تعبیر کند.

این روند حزب مؤتلفه و محافظه‌کاران سنت‌گرا را وایسته به پیاده‌نظام‌شان نمود و افول محافظه‌کاری آغاز شد. زیرا محافظه‌کاران که می‌توانستند با بسیج اجتماعی به یک جریان قدرتمند در عرصه سیاسی تبدیل شوند از یکسو حیات خود را به جریان‌های سنت‌گرای رادیکال گره زد و از سوی دیگر با یکی کردن خود با حکومت، رقابت را بی معنا ساخت. بدین ترتیب محافظه‌کاران که باید نگهبان سنت و مخالف با دگرگونی‌های اساسی باشند و می‌توانستند با نفوذ به جامعه، بدنه اجتماعی خود را سامان دهند، به سمت پیاده‌نظام رادیکال خود رفتند. افول محافظه‌کاری در جامعه ایران از غیرت‌سازی با اصلاح‌طلبان و تلاش برای جلب رضایت پیاده‌نظام رادیکال به جای ساماندهی اجتماعی آغاز شد. این روند محافظه‌کاری را به سمتی برد که به تدریج پیاده‌نظام به فرماندهی رسیدند و محافظه‌کاران را زیر فرمان خود بردند. به این ترتیب واگذاری پیاده‌نظام به واگذاری اختیار تصمیم‌گیری رسید. گمان محافظه‌کاران این بود که سنت‌گرایان انقلابی همواره برادران کوچک باقی می‌مانند. در حالی که برادران کوچک روزی بر برادران بزرگ شوری‌دند تا نظم سیاسی مطلوب خود را پیگیری کنند و نقش واسطه برادران بزرگ میان خود و نهادهای قدرت را کنار گذاشتند. در طول سه دهه گذشته فقدان جریان محافظه‌کار مذهبی با بدنه اجتماعی قدرتمند سپهر سیاسی ایران را سرگردان ساخته است. اصلاح‌طلبی نیز در غیاب یک جریان محافظه‌کار واقعی توان بازی‌سازی سیاسی ندارد. انتخابات مجلس دوازدهم نشان داد که بدنه اصولگرا دیگر به محافظه‌کاران به چشم رجل سیاسی خود نمی‌نگرد؛ جریانی که می‌توانست بدنه اجتماعی قدرتمندی داشته باشد، اینک بدنه مشخصی نیز ندارد. معضلی که برادران لاریجانی، باهنر و مؤتلفه با آن درگیرند و عده‌ای اصلاح‌طلبان به غلط گمان می‌کنند با ائتلاف با آن‌ها امکان شکل دادن به جریان میانه را دارند. عدم تولد گفتمان اصولگرایی در طول سه دهه گذشته گرانگاه سیاست در ایران است و اصلاح‌طلبی را نیز بی معنا می‌سازد. محافظه‌کاران کوشیدند با ائتلافی جریان سنت‌گرای رادیکال اصولگرایی را به وجود آورند ولی این گفتمان هیچ‌گاه متولد نشد. سرگردانی محافظه‌کاری در سپهر سیاست ایران به سرگردانی سیاست‌ورزی رسیده است. در این شرایط غیرت‌سازی به جای نیل به رقابت تغییر به ساختار شکنی می‌شود و اصولگرایان که بخشی از مجموعه حکومت شده‌اند، توان خود را برای سازماندهی اجتماعی از دست داده‌اند.

پارامترهای انتخابات آمریکا

از سقط جنین و جنگ غزه تا مهاجران غیرقانونی



اکبر مختاری

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

حزب دموکرات و جمهوری خواه از سال ۱۸۶۰ تاکنون پوست‌اندازی بسیاری داشته‌اند؛ زمانی اقتصاد جنوب آمریکا وابسته به بردگان برای رشد کشاورزی در آمریکا بود و شمال آمریکا بخش صنعت در آمریکا را راهبری می‌کرد. موضوع مخالفت با برده‌داری از سوی ساکنان شمال آمریکا سبب‌ساز جنگ‌های داخلی درون آمریکا شد؛ جنگ‌هایی که نهایتاً به شکست جنوبی‌ها از شمال و به لغو قانون برده‌داری در زمان ریاست جمهوری آبراهام لینکلن انجامید. ارزش‌های حزبی هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر حزبی در قرن نوزدهم تفاوت‌های بسیاری داشتند؛ طوری که آبراهام لینکلن، به‌عنوان اولین فرد از حزب جمهوری خواه، به ارزش‌هایی پایبند بود که بخش مهمی از آن را حزب دموکرات فعلی از آن حمایت می‌کند.

از سال ۱۹۴۵ به بعد ارزش‌های دو حزب دموکرات و جمهوری خواه تقریباً از ثبات نسبی برخوردار بوده‌اند. حزب جمهوری خواه از یک دولت کوچک‌تر، مالیات کمتر و رشد اقتصادی و ارزش‌های محافظه‌کارانه‌تر اجتماعی حمایت کرده است و حزب دموکرات توجه بیشتری به ارزش‌های لیبرال در حوزه اجتماعی و مالیات بیشتر در حوزه اقتصادی و تأکید بیشتر بر بیمه‌های درمانی داشته است. همان‌طور که در دهه هشتاد میلادی با ریاست جمهوری رونالد ریگان، جریان نومحافظه‌کار در حزب جمهوری خواه قدرت بیشتری یافت در حزب دموکرات هم طی بیست سال اخیر جریان چپ پیشرو قدرت بیشتری یافته است. رقابت‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ و حالا ۲۰۲۴ میان دو جریانی از حزب دموکرات قرار می‌گیرد که تاحدودی اشتراکاتی در آن دیده می‌شود. جدا از محافظه‌کاری اجتماعی، مقابله با مهاجران غیرقانونی و توجه بیشتر به «چین» به‌عنوان تهدید بالقوه در سیاست خارجی آمریکا و عدم ورود فراگیر به جنگ توسط آمریکا و همچنین، حمایت پر قدرت از اسرائیل به‌طور علنی توسط دو نامزد اصلی حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه به آن نگریده می‌شود. دو موضوع جنگ غزه و حمایت ویژه جوبایدن به‌عنوان فردی از طیف راست میانه حزب

بررسی برکناری معاون سیاسی صداوسیما همزمان با اوج‌گیری مجادلات درونی اصولگرایان و پس از هشدار رهبری؛

عقب‌نشینی تاکتیکی خالص‌سازان؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

معاون سیاسی سازمان صداوسیما روز گذشته به دستور رئیس این سازمان برکنار شد. این برکناری چند روز بعد از جنجال آفرینی حمید رسائی، نماینده منتخب مجلس دوازدهم در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری و همزمانی آن با تذکر مقام رهبری مبنی بر پرهیز از دعوای سیاسی رخ داد. گفت‌وگوی ویژه خبری در یک‌سال و نیم گذشته - به‌خصوص در موسم اعتراضات ۱۴۰۱ - با حواشی فراوانی از شیوه و جهت‌گیری اجرا تا طراحی پرسش‌ها و رفتار با بهمان‌های شاخص سیاسی روبه‌رو بود و برخی از ادعاها، حاکی از آن است که علیرضا خدابخشی، معاون سیاسی برکنار شده سازمان، در اداره آن شخصاً نقش آفرین بوده است. در تایید این ادعا محمد عکاف، سردبیر خبرگزاری خانه‌ملت وابسته به مجلس - با انتشار پستی در شبکه ایکس (توییتر) مدعی شد که سوال‌های جنجالی مجری از حمید رسائی توسط خدابخشی به او دیکته و پرسیده شده است. پیش از این، بسیاری از چهره‌های سیاسی با رفتاری مشابه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری مواجه شده بودند.

آغاز یک درگیری سیاسی

پیش از این سابقه نداشت که نمایندگان منتخب مجلس قبل از آنکه بر کرسی

ناصر ایمانی تحلیلگر سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

نمی‌توان آن برنامه را به حساب بی‌تدبیری گذاشت

پایداری صداوسیما را در اختیار دارد، من اطلاعاتی در این زمینه ندارم و این مسئله را تأیید یا تکذیب نمی‌کنم. از سوی دیگر این بحث مطرح می‌شود که معاون سیاسی معزول سازمان در اتاق فرمان حضور داشته که در این باره نیز معتقدم، این مسئله فاقد اهمیت است. اصل مسئله این است که جریان‌های فکری فارغ از هر اسمی که وجود دارند، دست به حرکت‌های آوانگارد در عرصه سیاست می‌زنند. این حرکات از طریق اتهام‌زنی، سیاه‌نمایی، ناامیدسازی مردم و بر خورد‌های خشن مطبوعاتی انجام می‌شود. این جریان‌ها از لحاظ فکری اعتقادی به اینکه باید به آنچه در متن جامعه و در میان مردم وجود دارد و باید توجه کرد، ندارند. جریان مذکور در حال حاضر وجود دارد، قدرتمند است و امکان دارد که در نهادهایی مثل مجلس، صداوسیما و دولت صاحب نفوذ باشند. چنین جریانی در ذات خود خطرناک است و باید با آن مقابله کرد؛ حتی اگر با عناوینی تحت عنوان انقلابی فعالیت می‌کنند. همان‌طور که پیش از این برخی جریان‌های تندرو به‌عنوان بخشی از اصلاح‌طلبان وجود داشتند و فعالیت می‌کردند، با این جریان مورد اشاره نیز باید مقابله فکری کرد. اینکه آیا خدابخشی در اتاق فرمان حضور داشته یا نه، مسئله‌ای فرعی است. مهم این است که در دوران این فرد شاهد نوعی افت و عقب‌نشینی از اهداف سیاسی رسانه ملی بودیم و بارها نیز مسئله برکناری او مطرح شده بود. در نهایت این مسئله موجب کنار گذاشتن او از مسئولیت شد.»



حمایت رسمی از حجاب‌بان‌ها

وزیر کشور و فرمانده قرارگاه بقیةالله سپاه به میدان آمدند

که پوشش متناسب ندارد خود به غائله جدی تبدیل شده است که مجالی به پرداختن به آن در این گزارش نیست. بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ شیوه مواجهه مردم با موضوع پوشش اختیاری در شکل خاصی تعریف شده است. حتی نحوه مقابله با این پوشش نیز از سوی مسئولان متفاوت بود. تقریباً بساط گشت ارشاد جمع آوری شد و سیاست پلمب کردن اماکن عمومی و خصوصی نیز پاسخگو نبود. در این مدت همانند سنوات گذشته شاهد حضور افراد خاص با حجاب اختیاری در مناسبت‌های خاص نیز بودیم که گویانمک داستان جدال مردم با جریان‌های تندرو بر سر موضوع حجاب بود. در کلان مسئله حجاب به آتش زیر خاکستری برای مسئولان امر تبدیل شده بود که شرایط خاص خود را نیاز داشت. گویی برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم و مجلس خبرگان رهبری مهم‌ترین دلیل بی‌اهمیت شدن آن بود؛ هر چند مسئولان اجرایی و نظارتی به طرق مختلف به دنبال آلاء این مهم بودند که اهمیت حجاب و پیگیری لایحه عفاف و حجاب متوقف نشده است اما شواهد و قرائن مؤید آن بود که به اصطلاح معروف فیتله پیگیری و جدیت در این موضوع تقریباً پایین کشیده شده است اما حال گویی جریان‌های موثری درون ساختار قدرت تکلیف خود را با موضوع انتخابات روشن کرده‌اند و فارغ از نتیجه آن، مجدداً به مسائلی همچون حجاب توجه ویژه‌ای کرده‌اند. بنابراین این روزها که مشکلات اقتصادی بیش از همیشه شده است و دلار یک‌نازی می‌کند، بار دیگر موضوع حجاب و تأکید بر اهمیت جایگاه آن به دغدغه اصلی مسئولان امر مبدل شده است. با همین رویکرد است که سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، روز جمعه ۱۸ اسفند در مراسم نماز جمعه این شهر از «گره خوردن لایحه حجاب در

این روزها با پایان یافتن انتخابات، توجه و تأکید بر رعایت حجاب به یکی از محورهای مهم اظهارات مسئولان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که علاوه بر انتشار خبر ارسال سومین بار لایحه عفاف و حجاب به شورای نگهبان برای نهایی شدن آن، بار دیگر فعالیت آمران به معروف و نهی از منکر در حوزه حجاب مورد تأکید قرار گرفته است و حتی برخی از چهره‌ها از مردم خواسته‌اند خودشان به میدان باییند. حمایت از آمران به گونه‌ای است که وزیر کشور از آنها دفاع تمام‌قد می‌کند و فرمانده قرارگاه بقیةالله توسعه حضور این افراد در تمامی ایستگاه‌های مترو خبر می‌دهد. آنگونه که گفته می‌شود قانون حجاب و عفاف از سال آینده در کشور اجرایی خواهد شد و قرار است به گفته برخی از مسئولان بساط فتنه بی حجابی توسط آمران خنثی شود. این رویکرد از هم‌اکنون می‌تواند نگران‌کننده باشد زیرا با انتخابات مجدد تندروها در مجلس آینده، نوع پوشش اولین و مهم‌ترین دغدغه برای آنها خواهد بود. روز گذشته، موسی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون حقوقی مجلس از ارسال لایحه عفاف و حجاب برای سومین بار به شورای نگهبان خبر داد؛ لایحه‌ای که از زمان طرح شدن آن تا زمان تصویب آن در مجلس به شیوه اصل ۸۵ بر از حاشیه و ابهامات فراوان بوده است و همچنین این ابهامات ادامه دارد. اگرچه تاکنون شورای نگهبان در دو مرحله ایراداتی به کلیت و محتوای آن داشته است اما انتظار می‌رود این بار لایحه از سد شورای نگهبان نیز عبور کند و در نهایت به مرحله اجرا درآید. جزئیات لایحه مذکور از جمله جرائم نقدی از افرادی

الهه ابراهیمی

دبیر گروه خبر